



آخر خط

علیرضا سیاهی لاین

قسمت اول / صورت مسئله

اگر بخواهم همین اول کار، تعارفات را کنار بگذارم باید عرض کنم که ما در یک جامعه‌ی کاملاً تعارف زده زندگی می‌کنیم. پیش‌تر هم نوشته‌ام که در جامعه‌ای مثل ایران مناسبات و معادلات همیشه از سلطه‌ی تعارف کور صدمه دیده‌است. یکی از مهم‌ترین قلمروهای تعارف‌زده در اجتماع ما همین عرصه‌ی «نوشتن» و «قلم‌زدن» است. البته منظورم تعارف مکرر و مخمل حاکم بر روابط نوشتاری نیست- که آن هم سر جای خودش در دست و بیجاست- بلکه مقصود و مقصد من خود نگارش و واژگان و حروف و بطور کلی ابزار الفبایی مورد استفاده‌ی ما در خط فارسی است.

بگذارید صورت مسئله را دقیق و واضح و بی‌تعارف اینجا عرض کنم: به نظر من الفبای ما فارسی زبانان برای بیان و تحریر ساختار زبانمان اصلاً مناسب و کارآمد نیست. این خلاصه‌ی همه‌ی حرفی‌است که می‌خواهم بزنم اما به جهت احتراز از سوء تفاهات، ناگزیرم این ادعا را مشروح‌تر بیان کنم. پیش از آنکه در باب این ادعا جدو جهد بیشتری بکنم، اجازه می‌خواهم از شما بپرسم که: به نظر شما چرا تا کنون ارباب فضل و دانش کمتر به خود اجازه داده‌اند در خصوص ساختار زبان فارسی و تناسب یا عدم تناسب الفبای مورد استفاده‌ی ما با آن به بحث و بررسی و مباحثه بپردازند؟

پاسخ این سؤال هر چه باشد به گمانم بیش از هر چیز دیگر، اهمیت و حساسیت مقوله‌ای‌را که وارد آن شده‌ام به من و شما گوشزد می‌کند. امید من اما آن است که طرح این مسئله از سوی این قلم و روزنامه‌ی نوای شهر آرا، گشایش‌گر فصل تازه‌ای از مباحث علمی راه‌گشا در این باب باشد که بزبان گفته‌اند «گفتن دلیل نبودن نیست» و مسکوت گذاشتن موضوع ناگام آمدی الفبای فارسی(عربی) به معنی آن نیست که این بحث برای همیشه فریوخته خواهد ماند و به ضعف‌های پیدا و پنهان خط و الفبای ما پرده‌ی اغماض و تبرئه کشیده خواهد شد! نکته‌ی مهم دیگری هم که نمی‌خواهم ناگفته بماند این است که صاحب این قلم پیش از آنکه در پی اثبات مدعای خود باشد، آرزومند خواندن و شنیدن نقدهایی دقیق و عمیق بر آن چیزی است که قصد مطرح کردنش را دارد. طرح این مسئله آنقدر خوشحالم نمی‌کند که تلاش مومنانه و صادقانه‌ی دیگران در رد مدعای من خواهد کرد. و مسئله این است: در دست است که الفبای ما سابقه‌ای هزار واندی ساله دارد، در دست که خط ما خط مورد استفاده‌ی فردوسی و خیام و حافظ و سعدی و مولوی است، در دست که خط ما خط مذهب و مکتب و معتقدات ماست و در دست که با همین خط، میلیون‌ها تن در طول تاریخ سواد آموخته‌اند و سرا مداران شده‌اند، اما این خط و این الفبا از منظر نقد علمی و ملاحظه‌ی ویژگی‌های ساختاری و نوشتاری زبان فارسی، الفبا و خطی است ناگوار آمد و من این مدعا را در قسمت بعد با ذکر مثال‌هایی بازتر و روشن‌تر خواهم کرد.

چهار سو ق

نیستان / ادب

■ وحید حسینی

علیرضا محمودی ایرانمهر، داستان‌نویس مشهوری که چندی پیش مسابقه‌ی داستان‌نویس «کشف لحظه» را به صورت اینترنتی بر گزار کرد، هم‌اکنون سرگرم‌رای زنی برای برپایی هر چه بهتر مسابقه‌ای در سطح جهان است؛مسابقه‌ی داستان‌نویسی «جهان معنوی» که ایرانمهر چندی پیش فراخوان آن را در فضای مجازی انتشار داد، پذیرای داستانک‌هایی تا سقف دویست و پنجاه کلمه به‌دو زبان فارسی و انگلیسی است. با توجه به مقیاس جهانی این مسابقه به سراغ مجری و دبیر مشهوری «جهان معنوی» رفتیم و با او درباره‌ی مسابقه، وضعیت داستان‌نویسی در ایران و کارهای ادبی خودوی به گفت‌وگو نشستیم:

کار مسابقه داستان‌نویسی «جهان معنوی» به کجا رسید؟ استقبال خوب بود؟

اوایل خیلی خوب نبود؛ چون استقبال شرکت‌کننده‌های خارجی به اندازه‌ی انتظار نبود، اما در یک ماه گذشته داستان‌هایی به زبان انگلیسی زیاد به دست‌مان رسید، در این میان چند دوست خوب از نقاط مختلف جهان پیدا کردم که داستان‌هاشان را برای معرفی و نقد و یا شرکت در مسابقه فرستادند. در این مدت فراخوان مسابقه را برای سایت‌های فعال ادبی دنیا رسال کردیم.

تعداد داستان‌های رسیده چقدر بوده؟

در بخش ایرانی (زبان فارسی) در حدود هزار داستان رسیده که می‌شود روزی سه تا چهار اثر، اما در بخش انگلیسی زبان هنوز تعداد آثار شمرده نشده است.

داوران مشخص شده‌اند؟

بله، اما اجازه بدهید نام آن‌ها را اعلام نکنم؛ یک دلیل این است که تا لحظه‌ی آخر امکان جابه‌جایی وجود دارد و دیگر آن که اصولاً ممتقدم نام داوران تا زمان اختتامه نباید فاش شود.

ملاک‌های انتخاب داوران چه بوده؟

در انتخاب داوران دو اصل را ملاک قرار داده‌ایم: یکی این که داور خود داستان‌نویس باشد و دیگر آن که شناخت کاملی از ادبیات داشته باشد.

شناخت کامل داور از ادبیات چگونه برای تان مسلح می‌شود؟

از روی آثار و نوشته‌های آنان و معیارهایی مثل این که چشگیری داشته‌اند، اما این بدین معنی نیست که همه‌ی این ناآشنایان شاهکار بیافرینند؛ این ژانر کمک می‌کند این‌ها وارد ادبیات شوند و نیز معنایش این نیست تمام فلش فیکشن‌ها فاقد پیچیدگی هستند، کسانی مثل بیکسل، همینگوی و یا فاکلا، فلش فیکشن‌های پیچیده‌ای نوشته‌اند.

پرداختن به کارهای اجرایی مثل برگزاری همین مسابقه‌ی «جهان معنوی» و مسابقه‌ی «کشف لحظه» و یا نوشته‌های غیر داستانی مثل کتاب «سفر به گردباد» که در آن تحلیل هر منوتیک از اشعار صائب ارونه داده بودید مانع داستان‌نویسی تان نمی‌شود؟

چیزی که وقت مرا به طور انبوه می‌گیرد دو نوشتن نمایشنامه و فیلم‌نامه است ولی به طور کلی این‌ها از ادبیات داستانی دورم نمی‌کند، من می‌نویسم و به طور گسترده هم در اینترنت منتشر می‌کنم اما این که به صورت کتاب چاپ نمی‌شود دلیل‌اش همان مشکلاتی‌ست که همه خیر دارند و گذراندن

پروسه‌هایی‌ست که همه‌ی ما دارند. یعنی **تازمانی** که وضعیت **ممیزی** این **گونه** است **قصد** ندارید **کتاب** چاپ کنید؟

راه‌پیشرفت را خود من تعیین می‌کنم...

گفت و گو با علیرضا محمودی ایرانمهر، داستان‌نویس مشهوری

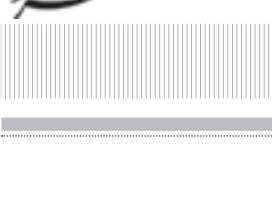
اگر کتاب‌ام با حداقل ممیزی هم چاپ‌شود حتماً ن را منتشر خواهم کرد.

کتاب اولتان «بربسم خوش‌گذرونی» هم با ممیزی روبرو شد؟

«بربسم خوش‌گذرونی» خوشبختانه زیاد دست‌نخورده‌ام با حذف برخی داستان‌ها، کتاب در نهایت آسیب‌دید.

تمرین داستان‌نویسی را اولین بار در «بربسم خوش‌گذرونی» تجربه کردید؟

آن‌ها چیزی بودند بین داستان و داستان‌واره، و باید گفت که این کارها تمرین نیستند، تجربیات هستند که شناخت‌ام را افزایش می‌دهند.



همسایه اما دور